



با بچه‌ها هم‌بازی می‌شوم

پای صحبت مصطفی رحماندوست درباره مجموعه ترانه‌های نیایش

دعا کردن برگرفته از فطرت انسان‌هاست و به دوره سنی یا فرهنگ ویژه‌ای اختصاص ندارد. گفت‌وگو با پروردگار گاهی به شکل بیان یک آرزوست و گاهی جنبه تشکر و شکرگزاری پیدا می‌کند. در این میان، قابلیت تفکر شهودی در کودکان و توجه آن‌ها به خداوند تأمل‌برانگیز است. تاکنون نیز کتاب‌هایی که در برگزیده نامه‌های بچه‌های کشورهای جهان به خداست، چاپ شده‌اند. بچه‌ها در نامه‌هایی که برای خدا می‌نویسند، دعاها، آرزوها، اندیشه‌ها و پرسش‌هایشان را با او مطرح می‌کنند. مجموعه پنج جلدی ترانه‌های نیایش مصطفی رحماندوست روایتی شاعرانه از این راز و نیازهای کودکانه است. به بهانه حضور این مجموعه در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد پای صحبت او نشسته‌ایم.

خلاصه از هیجانانگیزان و از طریق انس گرفتن با آن‌ها، متوجه شوم در درونشان و در فکرشان چه می‌گذرد.

■ مجموعه حال حاضر شما، نیایش‌هایی برای کودکان سال‌های ابتدای دبستان است. به‌طور کلی مضامین نیایشی برای شعر کودکان را از کجا پیدا می‌کنید؟ آیا برای سرودن این شعرها به کودکی خودتان و تجربه‌هایی از نگرش مذهبی در آن دوران باز می‌گردید؟ آیا در این خصوص از خود مخاطبان هم کمک می‌گیرید؟

من علاوه بر هم‌نشینی با بچه‌ها، برای نوشتن ترانه‌های نیایش به سراغ نیایش‌های موجود خودمان هم رفته‌ام. ریشه نیایش‌های من در آیات قرآن، صحیفه سجادیه، دعای سمات و دعا‌های دلنشین دیگر است. البته در هیچ یک از این دعاها صحبت از موش و خرگوش و جوجه و تعطیلات نیست و من در ترجمه مفهوم این دعاها به زبان خردسالان، موش و خرگوش و جوجه... را هم وارد کرده‌ام.

■ توجه دادن مخاطب کودک به رحمت الهی و صفت

■ شما سال‌ها پیش در مصاحبه‌ای گفته‌اید: «بیش از ۳۰ سال است که می‌دوم تا خودم را به بچه‌ها برسانم و تلاش می‌کنم که کودکی و معصومیت از دست‌رفته‌ام را بازیابم.» برای شاعران کودک هم‌نسل من بگویید که به این منظور چه تلاش‌هایی می‌توان کرد و چطور می‌توانیم افق دیدمان را به افق دید بچه‌ها نزدیک‌تر کنیم؟

شاید سخت‌ترین کار هنرمند و نویسنده‌ای که برای کودکان می‌نویسد، همین باشد که بتواند افق دید خودش را به افق دید آن‌ها نزدیک‌تر کند. من مطمئن نیستم که توانسته باشم؛ هر چند بعضی وقت‌ها استقبال بچه‌ها از شعرهایم به من می‌گوید تا حدی موفق شده‌ام. امیدوارم همین‌طور باشد. اما در پاسخ به این سؤال و اینکه چه کارهایی به این منظور انجام می‌دهم باید بگویم، من سعی می‌کنم از بچه‌ها زیاد فاصله نگیرم و با آن‌ها مانوس باشم. مانوس بودن به این معنا نیست که مثلاً فقط بروم به مدرسه‌ای و برایشان شعر بخوانم. من با بچه‌ها هم‌بازی می‌شوم تا آن‌ها خودشان را بروز بدهند. سعی می‌کنم در بازی‌هایشان شرکت کنم؛ بنشینم با آن‌ها بحث کنم؛ بخندانمشان؛ به شوخی بترسانمشان و

رحمانیت پروردگار چه نقشی در ایجاد حس آرامش درونی و رشد عاطفی او دارد؟

بچه‌های ما به آرامش نیاز دارند؛ آرامشی که حتی گاهی احساس می‌کنم آن را چندان که لازم است، از طرف خانواده هم دریافت نمی‌کنند. بچه‌های ما در عصر جدید به شدت تنها هستند. من اخیراً داستان‌ها و شعرهای زیادی نوشته‌ام و در آن‌ها به تنهایی بچه‌ها اشاره کرده‌ام. این بچه‌های تنها باید در تنهایی خودشان پشتوانه عاطفی داشته باشند. اعتماد به رحمت و مهربانی پروردگار می‌تواند پشتوانه خوبی برای آن‌ها باشد. بچه‌ها می‌توانند با تکیه بر مهربانی خدا، بخشی از تنهایی خودشان را نادیده بگیرند و یا جایی برای لبخند درونی داشته باشند.

■ در سرودن شعر برای کودکان به‌ویژه شعرهایی با درون‌مایه نیایشی و مذهبی تا چه اندازه به حوزه شناختی کودکان و مسائل روان‌شناسی آن‌ها مراجعه می‌کنید؟ با توجه به اینکه هنوز تفکر انتزاعی در کودکانی که مخاطب این مجموعه هستند، شکل نگرفته و آن‌ها از طریق هوش شهودی‌شان با خدا ارتباط برقرار می‌کنند، شیوه پرداختن شما به موضوع خدا برای این مقطع سنی خاص چگونه است؟

اصلاً نمی‌شود اثری برای بچه‌ها خلق کرد فرقی نمی‌کند مضمونش نیایشی باشد یا غیر از آن و به مسائل حوزه شناختی و روان‌شناسی مخاطب توجه نکرد. اگر چنین توجهی نداشته باشیم، مسلماً باز خورد خوبی از طرف مخاطب دریافت نمی‌کنیم و اثرمان مورد توجه او قرار نمی‌گیرد. اما شکل نگرفتن تفکر انتزاعی در بچه‌ها باعث نمی‌شود، نتوانیم درباره خدا با آن‌ها حرف بزنیم. خدا برای کودک خدایی انتزاعی و دور از دسترس نیست. اتفاقاً خدا خیلی به او نزدیک است. خدا برای او کسی مثل خودش، مثل مادرش، پدرش، خواهرش و برادرش است. کودکان از خدا درک انتزاعی ندارند، اما به جایش در آن‌ها کشف و شهود بیشتری وجود دارد تا بزرگسالان. برای همین عرفا سعی می‌کنند به دوران کودکی خود برگردند تا به کشف و شهود برسند. از طرف دیگر، ما در شعر نیایشی برای بچه‌ها به دنبال اثبات وجود خدا نیستیم. آن‌ها به صورت فطری خداشناس، خدادوست و خداپرست هستند. ما فقط این حس را تقویت می‌کنیم.

■ آیا هنگامی که شعر می‌گویید به موضوع ترجمه‌پذیر بودن آن هم فکر می‌کنید؟

زمانی که شعر می‌گوییم، به ترجمه‌پذیر بودن آن فکر نمی‌کنم. اما معتقدم هر چه شعر من ترجمه‌پذیرتر باشد، به دنیای عام کودکان در جهان یا همان کودک جهانی نزدیک‌تر است. شعرهایی بوده‌اند که در کشورهای دیگر آن‌ها را خوانده‌ام، ترجمه شده‌اند و مورد توجه قرار نگرفته‌اند. در آن زمان متوجه شده‌ام آن شعر ترجمه‌پذیر نبوده است.

گاهی هم شعری می‌گوییم و می‌بینم عیناً قابل ترجمه است. مثلاً شعر «نار» و شعر «زردآلو» از جمله شعرهایی هستند که هر جا آن‌ها را خوانده‌ام و ترجمه شده‌اند، مورد استقبال قرار گرفته‌اند. بسیاری از شعرهای نیایشی نیز این‌گونه‌اند؛ چون با درون مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند. به‌طور کلی معتقدم، ما شاعران کودک و نوجوان بهتر است طوری بنویسیم که بیشتر ترجمه‌پذیر باشد.

■ آیا به نظر شما شعر کودک و نوجوان ایران شاخصه‌های جهانی شدن را دارد؟

نه تنها شعر، بلکه به‌طور کلی ادبیات کودک و نوجوان ایران، شاخصه‌های جهانی شدن را دارد. البته مثل همه جای دنیا، قصه و داستان بیشتر از شعر از این ویژگی برخوردار است. چون شعر لحظه‌ها و ریزه‌کاری‌هایی دارد که مبتنی بر فرهنگ بومی کشور است و همچنین صنایع ادبی که آن هم تا حدی بومی است، و این کار ترجمه را سخت می‌کند. اما به‌طور کلی شعر و داستان کودک ایران شاخصه‌های جهانی شدن را دارد. یکی از دلایل ناشناخته ماندن ادبیات کودک ما در جهان، محدودیت جغرافیایی زبان فارسی است. ما حتماً باید یک زبان واسطه مثل زبان انگلیسی یا عربی پیدا کنیم تا آثارمان را از طریق آن زبان واسطه به زبان‌های دیگر ترجمه کنیم.

■ شما علاوه بر اینکه شاعر صاحب نام و موفق کودکان هستید، تجربه مدیریت فرهنگی و سوابق اجرایی زیادی در این زمینه و در حوزه کودکان داشته‌اید. لذا افت‌وخیزهای آن را به خوبی می‌شناسید و در این زمینه صاحب نظرید. به‌طور کلی، چه نظر و پیشنهادی در جهت برنامه‌ریزی فرهنگی برای رشد عاطفی، اجتماعی و معنوی کودکان دارید؟

برنامه‌ریزی فرهنگی باید جنبه ملی داشته باشد و تمام دستگانه‌ها موظف به اجرایش باشند. من فکر می‌کنم هنوز هم این شاعران و نویسندگان کودک و نوجوان هستند که دارند ادبیات کودک را پیش می‌برند. هنوز مسئله کودکان در میان انبوه مسائل مختلف گم است و کودکان هنوز به رسمیت شناخته نشده‌اند. گاهی در این خصوص گفت‌وگوها و نشست‌هایی برپا می‌شوند و کتاب‌هایی در این زمینه نوشته شده‌اند، اما کافی نبوده است. ما برای رشد فرهنگی، عاطفی، اجتماعی و معنوی کودکان به برنامه‌ریزی‌های کلان‌کوتاهمدت و بلندمدت و همه‌جانبه نیاز داریم. برنامه‌هایی که با تعامل سازمان‌های دولتی و بقیه مؤسسه‌هایی پیش برود که در حوزه کودکان فعالیت می‌کنند.

خدا جونم چی می‌شه

شنبه‌ها جمعه باشه

جمعه که تعطیله

شنبه روز تلاشه

جمعه که رفت تموم شد

جمعه بشه دوباره

دو جمعه توی هفته

وای که چه کیفی داره!

بابا بمونه خونه

منم تو خونه، به‌به

مامان بمونه خونه

خنده، سه‌تایی، به‌به

خدایی که خنده رو

تو قلبمون گذاشتی

کاش سه چهارتا جمعه

تو هفته می‌گذاشتی

مصطفی رحماندوست

قطعه‌ای از ترانه‌های نیایش

بچه‌ها می‌توانند

با تکیه بر مهربانی

خدا، بخشی از

تنهایی خودشان را

نادیده بگیرند و یا

جایی برای لبخند

درونی داشته باشند